

## پیشگویی‌های نوستراداموس

۱۰ جلد کتاب نوشت و در آنها به زعم خود حوادث دو هزار سال آینده جهان را پیشگویی کرد.



۱۰ جلد کتاب نوشت و در آنها به زعم خود حوادث دو هزار سال آینده جهان را پیشگویی کرد. سال ۱۵۵۵ مهم‌ترین پیشگویی هایش را در کتابی با عنوان «پیشگویی‌ها» یکجا مدون کرد و همه آنان را در قالب رباعی به نظم کشید. به گزارش ایسنا، روزنامه اعتماد نوشت: «پیشگویی کرده بود که هنری دوم در میدان جنگ، در نبردک تن به تن کشته می‌شود اما این شاه در یکی از جشن هایش و هنگام بازی با نیزه چوبی آسیب دید و از پا درآمد. پیشگویی کرده بود که صاعقه ای به لندن می‌زند و شعله‌های آتش، شهر را به کام خود می‌کشند. اعدادی هم برای این پیشگویی نوشته بود. بعد از آتش سوزی لندن، این اعداد را چنان کنار هم ردیف کردند که بتوانند سال وقوع حادثه (۱۶۶۶ میلادی) را از آن بیرون بکشند. آتش سوزی هم ربطی به برخورد صاعقه نداشت و از آتش گرفتن یکی از نانوائی‌های شهر آغاز شد. پیشگویی کرده بود پسرکی از خانواده ای فقیر روزی جمع بزرگی از مردم را فریب می‌دهد و شهرتش از مرزهای اروپا فراتر می‌رود. این پیشگویی را، پیشگویی ظهور هیتلر تلقی کردند. پیشگویی کرده بود که بر سر دو شهر بلایی می‌آید که پیش از آن بر شهر دیگری نیامده است. این پیشگویی را به بیماران اتمی هیروشیما و ناکازاکی ربط دادند.

نوستراداموس سال ۱۵۰۳ در چنین روزی، در سن رمی متولد شد. تبارش به یهودیان جنوب فرانسه می‌رسید اما پدر بزرگش برای در امان ماندن از دادگاه تفتیش عقاید از یهودیت برید و کاتولیک شد. درباره کودکی نوستراداموس تقریباً هیچ چیز نمی‌دانیم، جز اینکه بسیار باهوش بود و زیر سایه سخت‌گیری‌های پدر بزرگ مادری اش رشد کرد. صحبت و نوشتن به چند زبان را فراگرفت، در پزشکی تحصیل کرد و نیز در ریاضی و ستاره‌شناسی به استادی رسید.

می‌گویند پدر بزرگش هنگام آموزش نجوم با او درباره ملکوت و آفرینش و سرنوشت بشر صحبت می‌کرد و مدام روی مرز مسائل طبیعی و فراطبیعی راه می‌رفت. البته تجربیات بعدی زندگی اش، به ویژه شیوع طاعون نیز بر ذهنیت و باورهای او تاثیر بسیاری گذاشت. در سال‌های سیطره بیماری، گوشه و کنار فرانسه را زیر پا گذاشت و مدتی هم به ایتالیا رفت و ضمن کوشش برای درمان بیماران، همنشین‌های همیشگی با مرگ را هم تجربه کرد. با شیوه‌های ابتکاری اش در درمان طاعون به شهرت و ثروت رسید، اما همین بیماری همسر و دو فرزندش را از او گرفت. چندی بعد ماموران دادگاه تفتیش عقاید به باورهایش مشکوک شدند و او را به حضور در دادگاه و پاسخگویی به پرسش‌های خود فراخواندند. نوستراداموس که هیچ اعتمادی به اجرای عدالت در دادگاه تفتیش عقاید نداشت، زادگاهش را ترک کرد. بار دیگر به سفر رفت و از ایتالیا راهی یونان و عثمانی شد. در مسیر این سفر، تجربه‌های روحی عمیقی را پشت سر گذاشت و حتی دوره‌ای کوتاه با مرد جوانی همسفر شد که آن زمان راهبی از فرقه فرانسیسکن‌ها بود و بعدها پاپ سیکستوس پنجم شد. چند سال بعد، مطمئن به اینکه دادگاه تفتیش عقاید دیگر مزاحمش نمی‌شود به فرانسه برگشت و در زادگاهش مقیم شد. دوباره، این بار با زنی ثروتمند ازدواج کرد و صاحب شش فرزند شد. هرچه پیرتر می‌شد، بیشتر و بیشتر در خودش فرومی‌رفت و می‌گویند هر شب، چند ساعت را در تفکر و مراقبه سپری می‌کرد. درباره این تجربیاتش چیزهایی نوشته‌اند که رد یا تاییدشان ممکن نیست، اما به اعتبار پیش‌بینی آب و هوا و تغییرات جوی، بسیاری از مردم - و بیشتر از همه کشاورزان و بازرگانان - حرف‌های او را جدی می‌گرفتند و باورش داشتند. شهرتش به سراسر فرانسه رسید و او را در ادامه همین راه، یعنی پیشگویی راسخ‌تر کرد.

در سایت هیستوری دات کام می‌خوانیم که او ۱۰ جلد کتاب نوشت و در آنها به زعم خود حوادث دو هزار سال آینده جهان را پیشگویی کرد. سال ۱۵۵۵ مهم‌ترین پیشگویی هایش را در کتابی با عنوان «پیشگویی‌ها» یکجا مدون کرد و همه آنان را در قالب رباعی به نظم کشید. در شعرهایش به جز اصطلاحات رایج در جنوب فرانسه، از واژه‌های یونانی و ایتالیایی نیز فراوان استفاده کرد. نوستراداموس برای اینکه از اتهام جادوگری - که آن زمان انگیزه رایج بود - در امان بماند، رابطه اش را با واتیکان تقویت کرد اما چه آن زمان و چه بعدها بسیاری باور داشتند که او به شیطان خدمت می‌کند. او تابستان ۱۵۶۶ از دنیا رفت.»